

## انسان‌سازی به سبک امام جواد (علیه‌السلام)

از جمله فرهنگ سازی و گفتمان سازی معارف دینی با ارائه سخنان و راهکارهای طلایی گنجینه روایاتی که در منابع روایی از این امام همام در متون اسلامی به یادگار مانده...



از جمله فرهنگ سازی و گفتمان سازی معارف دینی با ارائه سخنان و راهکارهای طلایی گنجینه روایاتی که در منابع روایی از این امام همام در متون اسلامی به یادگار مانده در راستای این هدف می باشد. گونه ی دیگری از شیوه انسان سازی در مکتب امام جواد(علیه السلام) الگوی عملی است که به جامعه انسانی ارائه داده است. در واقع امام جواد (علیه السلام) فراتر از سخنان گوهر بار خود الگوی ناب و تمام عیار انسان کامل و تابلوی هدایت به سوی رستگاری بوده است.

از مهمترین و راهبردی ترین مسائلی که مورد توجه منابع دینی و اسلامی قرار داشته، موضوع انسان سازی است. در واقع می توان این چنین بیان کرد، که هدف اصلی 124 هزار پیامبر الهی چیزی جز انسان سازی و رساندن انسان به مقامات و کمالات دینی و انسانی و اخلاقی نبوده است. کمالات دینی که انسان را در ریل صحیح زندگی قرار داده و روش صحیح ارتباط با خدا، ارتباط با خود و ارتباط با دیگران را به انسان می آموزد و انسان را با عناصر و شاخص های تربیتی آشنا نموده و از بند اسارت هوای نفس و خواهش های شیطانی آزاد می سازد. در اندیشه اسلامی یکی از مهمترین و اصلی ترین منابع معتبری که به طور روشن تلاش دارد شیوه های صحیح انسان سازی را در اختیار انسان قرار دهد، سنت و روایت اهل بیت(علیهم السلام) است که با شیوه های مختلفی تلاش داشته است جامعه انسانی را به اهداف متعالی خلقت نزدیک نماید. از این رو به مناسبت ولادت با سعادت امام محمد تقی(علیه السلام) تلاش داریم با واکاوی روایات به یادگار مانده از این امام همام این مسأله را مورد بررسی و تحقیق قرار دهیم.

انسان سازی در اندیشه امام جواد (علیه السلام) به شیوه های مختلفی مورد توجه قرار گرفته است. از جمله فرهنگ سازی و گفتمان سازی معارف دینی با ارائه سخنان و راهکارهای طلایی گنجینه روایاتی که در منابع روایی از این امام همام در متون اسلامی به یادگار مانده در راستای این هدف می باشد. گونه ی دیگری از شیوه انسان سازی در مکتب امام جواد(علیه السلام) الگوی عملی است که به جامعه انسانی ارائه داده است. در واقع امام جواد (علیه السلام) فراتر از سخنان گوهر بار خود، الگوی ناب و تمام انسان کامل و تابلوی هدایت به سوی رستگاری بوده است. در این نوشتار تلاش داریم نسخه های اثربخشی که تأثیر مستقیمی در مسأله ی انسان سازی دینی در اندیشه امام جواد(علیه السلام) دارد را مورد بررسی قرار می دهیم.

افرادی که هیچ گونه ابا و ترسی در انجام محرمات و ناهنجاری های دینی و اجتماعی ندارند و قوانین و مقررات الهی را محترم نمی شمارند می توانند سلامت روحی و معنوی سایرین را به مخاطره بیندازند.

گام اول: اصلاح بینش و ارتقاء معرفت انسانی  
یکی از مهمترین و کاربردی ترین شاخص ها و عناصری که ارتباط مستقیمی با موضوع انسان سازی دارد، بحث اهتمام به علم آموزی، کسب معارفی دینی و ارتقای بینش و نگرش است. در واقع عملکرد انسان محصل ایدئولوژی و بینش فکری و فرهنگی است که بر رفتار و عملکرد افراد تأثیر مستقیم دارد، از این رو رسالت اصلی انبیاء الهی نیز از ابتدای رسالتشان بهبود بخشیدن به بینش و معرفت در جامعه انسانی بوده است. بینش و معرفتی که در سایه تعلیم و علم آموزی به وجود می آید. «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»؛ [1] خداوند بر مؤمنان منت نهاد [نعمت بزرگی بخشید] هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛ هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند.»

با رجوع به سبک زندگی امام محمد تقی(علیه السلام) به خوبی می توان یکی از محورهای روشن و شاخص های زندگی ایشان را مقوله علمیت و حکمت معرفی کرد. هر چند امام جواد(علیه السلام) در ابتدای امامت کم سن و سال بود و همین موضوع زمینه تحیر برخی را فراهم کرده بود، ولی با این وجود توانایی علمی ایشان در مناظرات علمی شگفتی علمای مختلف را برانگیخته بود. مناظره با یحیی بن اکثم، فقیه دربار عباسی، و حکایات شگفت انگیزی که در این خصوص وارد شده به خوبی گویای جایگاه علمی و ممتاز امام محمد تقی(علیه السلام) است که اعجاب و تحسین محبان و شیعیان حضرت را جلب کرده است. [2] هدف از بیان این ویژگی حضرت جواد(علیه السلام) این است که یک شیعه واقعی با تاسی به امام خود باید در مقوله ارتقای بینش و حکمت تلاش وافر داشته باشد و در این زمینه اندکی تعلل و سستی به خود راه ندهد. انسان به واسطه ابزار علم و حکمت و آگاهی است که می تواند معارفی که در پیشرفت و تکامل روحی و معنوی و مادی او دخیل است را به دست آورده، به قله موفقیت و پیروزی دست پیدا نماید.

گام دوم: حرکت در جهت تربیت و تهذیب نفس

دومین و مهمترین محور در مسأله انسان سازی، تهذیب اخلاق و تربیت دینی است. یک انسان به هر اندازه که در مسیر کسب علوم و معارف دینی و اسلامی اجتهاد و تلاش داشته باشد اگر در مقوله تهذیب نفس کاستی و یا سستی به خرج دهد، نه تنها نمی تواند از نردبان سعادت و کمال سعود نماید، بلکه علم و دانش او نیز می تواند همچون پرده ای ظلمانی زمینه طغیان و سرکشی نفس او را فراهم نماید. از این رو انبیاء الهی همواره در کنار ارتقای علمی و معرفتی جامعه انسانی توجه خاص و ویژه ای به مسأله تهذیب نفس و تربیت اخلاقی انسانها داشته اند. [3] با رجوع به سخنان گران قدری که از امام محمد تقی (علیه السلام) در منابع روایی به یادگار مانده به خوبی می توان با شاخص ها و عناصر سازنده تربیت اخلاقی و تهذیب نفس آشنا شد. اولین گام برای تربیت و تهذیب نفس، مخالفت با هوای نفس است. در واقع می توان این چنین بیان داشت که ریشه و اساس بسیاری از گرفتاری های انسان که مانع تکامل و سعادت او می شود تبعیت از هوای نفس است، موضوعی که به روشنی در فرهنگ قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته و همگان را از آثار مرگبار آن برحذر داشته است: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ؛ [4] به درستی که نفس (سرکش) بسیار به بدی ها امر می کند.»

در منابع روایی نیز از امام جواد (علیه السلام) این چنین نقل شده است: «وَقَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَطَاعَ هَوَاهُ أَعْطَى عَذْوَهُ مُنَاهُ؛ [5] امام جواد علیه السلام فرمود: کسی که از هوای نفس خود اطاعت کند آرزوهای دشمن خویش را برآورده است.» و یا اینکه در روایت دیگری از امام جواد (علیه السلام) این چنین نقل شده است: «رَأَيْتُ الشَّهَوَاتِ لَا تُسْتَقَالُ عَثْرَتُهُ؛ [6] سوار بر مرکب شهوت چون بلغزد، برنخیزد.»

انسان سازی به سبک امام جواد علیه السلام

گام سوم: مرز بندی بین انسانهای شرور و غیر صالح

یکی از پیچیده ترین و خطرناک ترین مؤلفه هایی که به طور جدی گام برداشتن در مسیر انسان سازی را با چالش مواجه می سازد، همراهی و همنشینی با فاجران و گنهکاران است. افرادی که هیچ گونه ابا و ترسی در انجام محرمات و ناهنجاری های دینی و اجتماعی ندارند و قوانین و مقررات الهی را محترم نمی شمارند می توانند سلامت روحی و معنوی سایرین را به مخاطره بیندازند، چه بسیار انسان هایی که در اثر همنشینی و همراهی با افراد فاسخ زمینه هلاکت و نابودی خود را فراهم کردند. بر اساس آموزه های قرآنی و دینی یکی از علل و عواملی که زمینه ساز پشیمانی و افسوس و گرفتاری جهنمیان شده موضوع بی مبالاتی در همراهی و تبعیت انسان های فاجر بوده، موضوعی که در قرآن کریم این چنین از آن یاد شده است: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا؛ [7] ای وای بر من، کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم!» در متون و منابع روایی نیز از امام جواد (علیه السلام) ضرورت پرهیز از همنشین بد این چنین مورد توجه قرار گرفته است: «الإمام الجواد (عليه السلام) : «إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الشَّرِيرِ ؛ فَإِنَّهُ كَالسَّيْفِ الْمَسْلُوبِ ؛ يَحْسُنُ مَنظَرُهُ ؛ وَيَقْبَحُ أَثَرُهُ؛ [8] امام جواد (علیه السلام): از مصاحبت با شخص شریر پرهیز، که چون شمشیر برهنه است، منظره اش نیکو و اثر (زخم) آن زشت است.»

باری به هر جهت یک همنشین و دوست ناصالح هم در حوزه افکار و اندیشه می تواند برای دیگران و اطرافیان خود چالش برانگیز و پر خطر باشد و هم در حوزه رفتار و گرایش های عملی، چه بسیار انسان های پاک و درستکاری که عامل اصلی شقاوت و نگون بختی آنها همراهی و تبعیت کردن از دوستان ناصالح بوده است. این تأثیرپذیری از نظر منطق اسلام تا بدان حد است که در روایات اسلامی از پیامبر خدا حضرت سلیمان (علیه السلام) چنین نقل شده: «رُؤِيَ أَنَّ سُلَيْمَانَ ع قَالَ لَا تَحْكُمُوا عَلَيَّ رَجُلٌ يَشْتِي رِيًّا؛ حَتَّى تَنْظُرُوا إِلَى مَنْ يُصَاحِبُ فَإِنَّهُ يُعْرِفُ الرَّجُلُ بِأَشْكَالِهِ وَ أَقْرَانِهِ وَ يُنْسَبُ إِلَى أَصْحَابِهِ وَ أَخْدَانِهِ؛ [9] درباره کسی قضاوت نکنید تا به دوستانش نظر بیفکنید چرا که انسان بوسیله دوستان و یاران و رفقاییش شناخته می شود.» و برآستی گاه نقش دوست در خوشبختی و بدبختی یک انسان از هر عاملی مهمتر است، گاه او را تا سر حد فنا و نیستی پیش می برد، و گاه او را به اوج افتخار می رساند. [10]

پی نوشت ها:

- [1]. سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۶۴.
- [2]. طبرسی، الاحتجاج، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۴۶-۴۴۷.
- [3]. ر.ک. سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۶۴.
- [4]. سوره مبارکه یوسف، آیه 53.
- [5]. بحار الأنوار، ج 67؛ ص 78، ح 11.
- [6]. زهة الناظر و تنبيه خاطر، ص 135، ح 7.
- [7]. سوره مبارکه فرقان، آیه 28.
- [8]. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، زهة الناظر و تنبيه خاطر، ص 136، ح 10.
- [9]. بحار الأنوار، ج 71؛ ص 188، ح 17.
- [10]. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 15؛ ص 73.